

## سریال گاندو برجام کوبی می‌کند؟

پرسش این یادداشت نه از تهیه‌کننده و کارگردان و نویسنده و حامیان سریال نیمه‌کاره "گاندو"؛ که از بازیگر و کارگردان کهنه‌کار- آقای داریوش فرهنگ - است که در آن بازی می‌کند.

به گزارش سایت خبری پرسون، مهرداد خدیر در یادداشتی نوشت:

توقف پخش سریال «گاندو ۲» دو روز پس از آن که محمد جواد ظریف وزیر خارجه ایران در «کلاب هوس» آن را «کاملاً دروغ» توصیف کرد و در آستانه مذاکرات ایران در وین، از خبرهای قابل توجه این روزهاست.

البته گفته شده «گاندو ۲» نیمه‌کاره بوده و برای توقف آن، فشاری وارد یا توصیه‌ای نشده و عجله برای نمایش یک سریال نیمه‌کاره احتمالاً به خاطر تأثیرگذاری بر افکار عمومی در آستانه انتخابات ریاست جمهوری یا بیم احیای برجام در همین مدت بوده و به همین خاطر ادامه آن به بعد از انتخابات، موکول شده و همین «عذر بدتر از گناه» نشان می‌دهد چه اهدافی پشت سر این سریال جهت‌دار بوده است.

گاندو ۲؛ می‌خواهد / می‌خواست در قالب دیالوگ و نه با گره‌های داستانی و پیش‌برد درام، "برجام کوبی" کند تا بدانیم دیپلماسی و مذاکره خوب نیست و تقدیر و سرنوشت محتوم ما همین تحریم‌هاست و تلاش برای رفع آنها یا جاهلانه است یا خائنه و از دیپلمات‌ها تصویر جاسوسانی را ارایه می‌دهد که شاید خودشان هم ندانند در حال جاسوسی‌اند و همه امور عالم را باید از دریچه امنیتی و توطئه انگارانه تحلیل کرد.

این یادداشت البته در نقد سریال متوقف شده «گاندو ۲» نیست و خوانندگان را به یادداشت «گاندو؛ بیانیه سیاسی با گاف‌های عجیب تاریخی» به قلم آقای دکتر جلیل بیات که به تازگی در همین تارنما منتشر شده ارجاع می‌دهم. با این وجود اگر از بودجه عمومی نباشد و بخش خصوصی بسازد خیلی هم خوب است چون سریال‌های سیاسی با هر نگاه مردم را به تأمل وامی‌دارد.

پس اولاً به عنوان یک نگاه می‌تواند به تصویر کشیده شود ولو نپسندیم و نهایت این است که مثل هر اثر دیگر نقد می‌کنیم یا اشتباهات تاریخی را یادآور می‌شویم. مشکل اما جایی است که خواست اقلیت به عنوان نظر اکثریت ابراز می‌شود آن هم از پول اکثریت و به جای این که اثری هنری باشد از تکاپویی خبر دهد که بر سرنوشت ما و فرزندانمان اثر می‌گذارد.

ثانیا چنان که از تیتراژ هم هویداست، مطلقاً به قصد طرح پرسش از تهیه‌کننده و کارگردان و نویسنده و حامیان آن نیست و تنها به قصد پرسشی است از بازیگر و کارگردان کهنه‌کار- آقای داریوش فرهنگ؛ که در این مجموعه ایفای نقش می‌کند.

هنرمندی که بیش از ۳۰ سال قبل و در فضای دهه ۶۰ خورشیدی سریال «سلطان و شبان» را کارگردانی و در حافظه جمعی مردم ثبت کرده، کسی که تئاتر خوانده و با گروه تئاتری «پیاده» وارد کار هنری شده، مردی که سال‌ها با «سوسن تسلیمی» زیر یک سقف زندگی کرده، مورد اعتماد «بهرام بیضایی» بوده و در «شاید وقتی دیگر» او بازی و با «واروژ کریم مسیحی» کار کرده و در «هزار دستان» علی حاتمی حضور داشته با دیگر بازیگران گاندو متفاوت است یعنی باید باشد و از این رو با او کار داریم نه با دیگران.

اهداف و مقاصد سازندگان و پخش‌کنندگان و حامیان، البته واضح و اظهارمن‌الشمس است. سال‌هاست که دو تفکر مقابل هم قرار دارند: یکی در پی گشودن دریچه‌های تعامل در عین حفظ منافع ملی است و دیگری به تعامل با دنیا خوش‌بین نیست و هر گونه مذاکره و تفاهم را نفی می‌کند و تنها وقتی حاضر به گفت و گو می‌شود که «بقا» در مخاطره باشد و دوست هم ندارد از تجاربی چون پایان گروگان‌گیری ۴۴۴ روزه آمریکایی‌ها به رغم شعار محاکمه آنها، قبول قطعنامه ۵۹۸ پس از ۸ سال جنگ و اصرار بر ادامه جنگ تا سقوط حزب بعث و توافق وین در سال ۱۳۹۴ درس بگیرد و همچنان بر همان طبل‌ها می‌کوبد و دوست دارد به مخاطب این گونه القا کند که رفتن دونالد ترامپ هم نباید ما را به رفع تحریم‌ها و مرادوه با جهان خوش‌بین کند و سرنوشت ما همین است و هیچ‌یک از مشکلات اقتصادی و سیاسی و اجتماعی و فرهنگی به انزوا و تقابل ربطی ندارد و اگر آن نگاه، قدرت اجرایی را در دست بگیرد همه مشکلات حل می‌شود. حالا بدون فروش نفت و تبادلات بانکی پول از کجا می‌آید هم لابد سؤال مهمی نیست.

به گواه پیشینه فکری و هنری می‌توان گفت «داریوش فرهنگ» از جنس همان نگاه اول است ولی به رغم آن که می‌دانیم هیچ تعلق ایدیولوژیکی به داستان گاندو ندارد بازی در آن را می‌پذیرد و این نوشته در بیان همین شگفتی است و گرنه با بقیه چه کار داریم.

شاید گفته شود مگر منحصر به اوست و مثلاً امین حیایی هم در فلان فیلم بازی نکرد یا برخی دیگر؟

امین حیایی را اما فقط با عنوان "بازیگر" می‌شناسیم نه اهل فکر مستقل و قلم. تازه توضیح یا توجیه آنها هم این بود که در فیلم مورد بحث، مقامات ارشد داخلی و برآمده از انتخابات را متهم کرده بودند. اساساً شیوه آقای ابوالقاسم طالبی این است که در هر اتفاقی به دنبال دست انگلستان است نه

داخلی‌ها و حتی در سریال دیدنی «به کجا چنین شتابان» هم می‌خواست ثابت کند اختلاس‌ها و کلاه‌برداری‌ها هم زیر سر انگلیسی‌هاست تا دوباره به عنوان سرمایه‌گذار بازگردند!

«گاندو ۲» اما یک پروژه کاملاً مشخص است و بعید است آقای داریوش فرهنگ ندادن داستان چیست اما در آن بازی می‌کند.

پس دو فرض محتمل است: یکی این که مانند مرحوم حسین قندی استاد فقید روزنامه‌نگاری بگوید «ما مرده شوریم، کار خودمان را می‌کنیم و به زندگی میت کار نداریم». با این توجیه که روزنامه‌نگار تنها روایت می‌کند و قضاوت با خواننده است. اصل حرف و «روزنامه‌نگاری بماهو روزنامه‌نگاری» درست است اما آیا روایت به قصد روایت است یا برای کشف حقیقت؟ به هر حال در ارایه خدمات به مخاطب به شعور و سلیقه و انتخاب و ترجیح او باید احترام گذاشت.

با فرض اول و در توجیه یا دفاع باید بگوید بازیگر، مسؤول خط و ربط سناریو و برداشت بیننده نیست. مرده‌شور (مرده‌شوی) است. اما بعید است چنین حرفی بزند. چون در این صورت چند دهه اعتبار خود و سخت‌گیری در انتخاب نقش و پاره‌ای اظهارنظرهای روشنفکرانه را زیر سؤال می‌برد.

فرض دوم این است که زندگی چنان پرخرج و برای برخی چنان پرهزینه‌تر شده که اساساً به جنبه‌های دیگر نیندیشیده‌اند.

هزینه‌های عمومی بالا رفته چه رسد به کسانی که بخواهند خاص‌تر و مرفه‌تر هم زندگی کنند.

با این نگاه هم دست‌کم گزینه‌هایی که نیروهای داخل را متهم نمی‌کنند و نقش‌آفرینی در فیلم‌های امنیتی علیه «داعش» اخلاقی‌تر نیست؟ مثل حمیدرضا پگاه و امین زندگانی که در فیلم‌های خاص بازی می‌کنند ولی آدم‌بدهای داستان، داعشی‌ها و تروریست‌ها هستند نه سیاست‌مداران و دیپلمات‌های ایرانی. درباره آن دسته از فیلم‌ها دیدیم که وزیر اطلاعات هم صریح و روشن اعلام کرد در راستای منافع ملی در برابر تهدیدات امنیتی و علیه تروریسم، در تولید برخی فیلم‌های سینمایی مشارکت داشته‌ایم و نام هم آورد. («روبا»، «ماجرای نیمروز»، «سیانور»، «امکان مینا»، «شب‌ی که ماه کامل شد»، «روز صفر» و سریال‌های «پازل»، «سارق روح»، «تعبیر وارونه یک رویا» و «خانه امن»).

وقتی ظریف می‌گوید گاندو از اول تا آخر، دروغ است، یعنی این یکی از جنس آنها نیست. بله، می‌دانیم خود آقای ظریف هم به اقتضای مسؤولیت، هر راست را نمی‌گوید ولی به منفعت ملی و خیر عمومی می‌اندیشد. خود سینما هم اساساً راست نیست و در واقع دروغ‌شیرینی است و حتی فیلم مستند از زاویه نگاه کارگردان ساخته می‌شود اما دروغ یا تصنعی نیست یا نباید باشد که به روح و روان مخاطب چنگ بزند و خیر عمومی و صلح را به مخاطره اندازد.

کاش این روزها داریوش فرهنگ، یک بار دیگر سریال «سلطان و شبان» ساخته داریوش فرهنگ را تماشا کند.

منبع: عصر ایران